بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست مطالب:

[مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر 2](#_Toc428975796)

[مرور گذشته 2](#_Toc428975797)

[انکار قلبی 2](#_Toc428975798)

[جمع‌بندی 2](#_Toc428975799)

[اولین مرحله امربه‌معروف ونهی از منکر 3](#_Toc428975800)

[خشم و غضب در ظاهر 3](#_Toc428975801)

[ادله روایات 3](#_Toc428975802)

[روایت به نقل تهذیب: 4](#_Toc428975803)

[بررسی نقل‌های روایت 4](#_Toc428975804)

[راه‌های حل تعارض دو نسخه 4](#_Toc428975805)

[راه حل اول 4](#_Toc428975806)

[احتمالات در باب تفاوت نسخه‌ها 4](#_Toc428975807)

[نتیجه‌گیری 5](#_Toc428975808)

[روایت دوم: 5](#_Toc428975809)

[بررسی روایت از لحاظ سند: 6](#_Toc428975810)

[بررسی روایت از لحاظ دلالت 6](#_Toc428975811)

[تفاوت دو روایت 6](#_Toc428975812)

# مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر

## مرور گذشته

مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر را بیان کردیم یک مرتبه، فعل جناحی و قلبی در مقابل معصیت‌ها است. بعدازاین بحث، وارد مبحث جدیدی شدیم. امربه‌معروف و نهی از منکر دارای سه مرحله است:

1.اظهار الکراهة یا انکار قلبی.

2.امرونهی بیانی و لسانی.

3.امرونهی با اقدامات عملی.

## انکار قلبی

صاحب جواهر با بیان زیبایی این مراحل را آورده‌اند. ایشان می‌فرمایند:‌انکار قلبی که مرحله‌ی اول است، سه چهار وجه دارد: مادامی‌که انکار، قلبی محض است، مرحله‌ای از امربه‌معروف و نهی از منکر نیست. ولی این انکار قلبی وجوهی دارد:

1.اعتقاد

2.رضایت و کراهت

3.دعا و نفرین (دعا و نفرین برای کسانی که گناه می‌کنند تا به راه راست هدایت شوند و یا نفرین آن‌ها کردن)

موضوعاتی که در این باب کار نکرده‌ایم عبارت‌اند از:

1.رضایت و کراهت نسبت به گناه یا شخصی که گناه انجام می‌دهد.

2.حکم دعا و نفرین چیست؟

### جمع‌بندی

محورهایی که غیر از امربه‌معروف و نهی از منکر جای بحث دارد، چند محور است:

1.علم و عدم علم

2.اعتقاد و اذعان

3.رضا و کراهت

4.دعا و نفرین

این چهار محور، شقوقاتی دارند. در مورد رضایت 16 شق را بحث کردیم. این‌ها مراتب خارج از امربه‌معروف و نهی از منکر است. زیرا این امر نیاز به ابراز و اظهار دارد.

# اولین مرحله امربه‌معروف و نهی از منکر

## خشم و غضب در ظاهر

اولین اظهار این است که کسی خشم و غضب کند. غضب غیر از کراهت است. این به عنوان اولین مرحله بیان شده است. البته باید در این مورد ادله‌ را بررسی کنیم.

با قطع‌نظر از اینکه جزء امربه‌معروف و نهی از منکر است، باید ببینیم اظهار چه حکمی دارد؟ باید اظهار کراهت و تنفر بکنیم. بعدازآن اطلاق و فروعاتش را بحث می‌کنیم.

## ادله روایات

## روایت اول

اولین دلیل،‌روایت سکونی بود.

**«مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ النَّوْفَلِيِّ عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ص أَمَرَنَا رَسُولُ اللَّهِ ص أَنْ نَلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي بِوُجُوهٍ مُكْفَهِرَّةٍ.»[[1]](#footnote-1)**

همان‌طور که بیان کردیم، این روایت از لحاظ سندی قابل تصحیح است. این روایت در کافی و تهذیب آمده است. این دو روایت تفاوت‌هایی داشتند که بیان کردیم. این تفاوت اثرات فقهی مهمی داشت.

## روایت به نقل تهذیب:

**«َ إِلَّا أَنَّهُ قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع أَدْنَى الْإِنْكَارِ أَنْ تَلْقَى أَهْلَ الْمَعَاصِي بِوُجُوهٍ مُكْفَهِرَّة»[[2]](#footnote-2)**

در یک نقل « **أَدْنَى الْإِنْكَارِ**» آمده است که قطعاً مرحله‌ای از امربه‌معروف و نهی از منکر می‌شود.

### بررسی نقل‌های روایت

بحثی که در اینجا بیان کردیم این بود که آیا این دو روایت، یک روایت یا دو روایت است. در اینجا دو احتمال را بیان کردیم.

اگر بگوییم دو روایت است، ادنی الانکار محفوظ است و روایت قبل ارزش خود را دارد. این دو جمله مثبتین هستند. تعارضی نیز با هم ندارند و اقل و اکثر هستند. در نتیجه دلیلی برای مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر می‌شود.

### راه‌های حل تعارض دو نسخه

اگر احتمال دیگر را بگیریم و بگوییم روایت یکی است و به دوش کل نقل شده است، در این صورت دو نسخه می‌شود. برای اینکه بدانیم کدام نسخه را اولویت قرار بدهیم، راه‌ها و روش‌هایی وجود دارد:

#### راه‌حل اول

اگر دو نسخه بشود،‌ در تعارض نسخه تذهیب و اصول کافی، نسخه کافی مقدم است. زیرا مرحوم کلینی یک شغل داشتند. تدوین کافی بیست سال طول کشید. تمام تلاش کلینی این بود که این کتاب را بنویسند. اما شیخ (ره) عظمت فراوانی دارند. شیخ (ره) یک اقیانوس بی‌انتها هستند. اما نمی‌توانیم بگوییم که ایشان در چند بعد، ذوفنون بوده‌اند. شیخ (ره) مشغولیت‌های بیشتری جز نوشتن نیز داشتند. ازاین‌رو نسخه کافی را مقدم می‌داریم. البته در این وجه،‌اختلافات زیادی وجود دارد. نمی‌توانیم به خاطر اضبطیت،‌نسخه‌ی کلینی را ارجح بدانیم. ما نیز به این اختلاف، قائلیم.

#### احتمالات در باب تفاوت نسخه‌ها

تفاوت نسخه‌ها به دو شکل است:

الف) گاهی مرحوم کلینی حدیثی را با سندی نقل می‌کند. شیخ نیز همان حدیث را با سند دیگری که ربطی به کلینی ندارد، نقل می‌کند. در این صور،‌تفاوت خیلی کوچکی در متن وجود دارد.

ب) گاهی مرحوم شیخ (ره) از خود کلینی روایتی را نقل کرده است ولی با شکل دیگری نقل می‌کند. این صورت یعنی مرحوم شیخ (ره) از کافی نقل می‌کند، اما از نسخه‌ی دیگری از کافی نقل می‌کند.

در اینجا نیز چنین است. به‌احتمال‌قوی، کافی دو نسخه دارد. یکی از این دو همانی است که دست شیخ (ره)‌بوده است. معنای این سخن این است که کافی دو نسخه داشته است، نه اینکه کافی و شیخ هر کدام از کانال جداگانه بیان کرده باشند.

ج) مرحوم شیخ طریقی به محمد بن یعقوب، به‌جز کلینی دارند. اگر این باشد، مشکل بیشتر می‌شود. این احتمال خیلی بعید است.

اگر احتمال (ب) باشد، اضبطیت کلینی زیر سؤال می‌رود. اگر در یک کتاب دو نسخه نقل بشود،‌تعارض شدیدی به وجود می‌آید.

### نتیجه‌گیری

با این یک روایت، نمی‌توانیم این روایت را از مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر بدانیم.

حاصل این روایت این شد که اصل کراهت قلبی واجب است، اظهار کراهت در چهره نیز واجب است.

## روایت دوم:

**« مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ خَالِدٍ عَنْ بَعْضِ أَصْحَابِنَا عَنْ بِشْرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عِصْمَةَ قَاضِي مَرْوَ عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع فِي حَدِيثٍ قَالَ: فَأَنْكِرُوا بِقُلُوبِكُمْ وَ الْفِظُوا بِأَلْسِنَتِكُمْ وَ صُكُّوا بِهَا جِبَاهَهُمْ وَ لَا تَخَافُوا فِي اللَّهِ لَوْمَةَ لَائِمٍ فَإِنِ اتَّعَظُوا وَ إِلَى الْحَقِّ رَجَعُوا فَلَا سَبِيلَ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ النَّاسَ وَ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ أُولئِكَ لَهُمْ عَذابٌ أَلِيمٌ هُنَالِكَ فَجَاهِدُوهُمْ بِأَبْدَانِكُمْ وَ أَبْغِضُوهُمْ بِقُلُوبِكُمْ غَيْرَ طَالِبِينَ سُلْطَاناً وَ لَا بَاغِينَ مَالًا وَ لَا مُرِيدِينَ بِالظُّلْمِ ظَفَراً حَتَّى يَفِيئُوا إِلَى أَمْرِ اللَّهِ وَ يَمْضُوا عَلَى طَاعَتِهِ.»[[3]](#footnote-3)**

در برابر کسانی که منکر انجام می‌دهند، منکر را به‌وسیله‌ی قلب‌هایتان انکار بکنید، و با زبان نهی کنید و با سخن و قلوبتان به پیشانی‌ آن‌ها بزنید.

### بررسی روایت از لحاظ سند:

این روایت از چند جهت اشکال دارد. بشر بن عبدالله، ابی عصمة قاضی و مرو نیز مشکل دارند.

### بررسی روایت از لحاظ دلالت

در مورد « **فَأَنْكِرُوا بِقُلُوبِكُمْ »** دو احتمال وجود دارد:

1.مقصود از این، فعل جوانحی محض است. منظور همان کراهت و انکار قلبی است. اگر این احتمال را بپذیریم، روایت از بحث ما خارج می‌شود و به بحث سابق برمی‌گردد.

2. احتمال مشهور نیز همین احتمال است. سیاقی که در این روایت آمده است، این سیاق، یک اقدامی در مقابل منکر است و نمی‌تواند این انکار، یک فعل جوانحی محض نیست و بروز پیدا کرده است. ظاهر سیاق نیز مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر را نشان می‌دهد.

درست است که احتمال دوم قوی‌تر است ولی در حد ظهور نیست.

#### تفاوت دو روایت

تفاوت این روایت با روایت مذکور در این است که در روایت قبل اصل نشان دادن غضب را بیان کرده بود اما اینکه به مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر اشاره داشته باشد، مشخص نبود، در این روایت، اصل مطلب ثابت نمی‌شود ولی اگر ثابت بشود، می‌توانیم بگوییم که جزء مراتب امربه‌معروف و نهی از منکر است.

1. **وسائل الشیعه، ج16، ص 143** [↑](#footnote-ref-1)
2. **کافی، ج 5، ص 58، ح 8** [↑](#footnote-ref-2)
3. **وسائل الشیعه، ج 16، ص 131** [↑](#footnote-ref-3)